

برای نامیدن خود استفاده می‌کنند.

تاریخچه

پیشینه این دین پیش از ورود اسلام در مناطق یاد شده، وجود داشته و تحت تأثیر ادیان زرتشتی و مانوی قرار گرفته است. عقاید مهرپرستانه و ثنویت زرتشتی بر آن تأثیر داشته، تأثیراتی از دین یهود و فرقهٔ «نسطوری» و عقاید صوفیه (پس از اسلام) نیز داشته است.

نخستین دانشمندی که توجه محققان را به آنها جلب کرد، احمد تیمور پاشا بود که در کتاب «الیزیدیه و منشاء نحلّتهم» به این مساله اشاره می‌کند که از این قوم پیش از قرن ششم هجری قمری نامی در تاریخ نیامده است. این زمان همان زمانی است که شیخ عدی به میان آنها آمده و طریقهٔ «عدویه» را در میان آنها بنیان نهاده است. ابوفراس در کتاب خود که به سال ۷۵۲ هجری قمری تألیف شده آنها را به همین نام خوانده است. محقق دیگر، «ابوسعید محمد بن عبدالکریم سمعانی» در کتاب الانساب می‌نویسد:

«جماعت بسیاری را در عراق در کوهستان حلوان و نواحی آن دید که یزیدی بودند و در دیه‌های آنجا به صورت مردم زاهد اقامت داشتند و گلی به نام «حال» می‌خورند. این گل را برای تبرک از مرقد شیخ عدی برمی‌دارند و آن را با نان خمیر می‌کنند و بصورت قرص درآورده و گاه گاه می‌خورند و آن را «برات» می‌نامند.»

زبان و محل سکونت

زبان اکثر یزیدی‌ها کردی است، پس از گسترش اسلام در کشور

ایران، ایزدیان ارتفاعات کوهستانی حلوان و شهرروز را پناهگاه خود ساختند تا بتوانند به کیش باستانی خود باقی بمانند و دور از چشم مسلمین، به راه و روش‌های آیینی خود سرگرم گردند. ظهور اسلام در ایران باعث شد که گروه کثیری از آنان اسلام بیاورند. کردان ایزدی اکنون در اطراف موصل، حلب، هکاری، دیاربکر، وان، ارض روم، سنجار، شیخان، بغداد، قره باغ، لاجین و سرزمین‌های بین آذربایجان شوروی و ارمنستان، و شمار نسبتاً زیادی نیز در کشورهای اروپایی به ویژه آلمان زندگی می‌کنند.

شیخ عدی بن مسافر حکاری

برخی او را که نام کامل و کنیه‌اش «شرفالدین ابوالفضائل عدی بن مسافر بن اسماعیل بن موسی بن مروان بن حسن بن مروان» است را منصوب به مروان بن حکم می‌دانند و در امویت او اتفاق نظر دارند. او را مردی صالح و باتقوا دانسته‌اند که در بعلبک سوریه به دنیا آمده‌است. از شام به منطقه سی جار آمده و به انتشار طریقه عدویه پرداخته و توانسته یزیدی‌ها را به دور خود جمع نموده و به خداپرستی و رعایت برنامه‌های اسلامی وادار نماید. بعدها در کوهستان حکاری در کردستان و موصل سکنی گزیده‌است. در این زمان او به «شیخ عدی حکاری» موسوم می‌گردد.

یزیدی‌ها او را به عنوان مرشد خود می‌پذیرند و تا حد زیادی از عقاید گذشتگان خود بیگانه می‌شوند. او بین سال ۵۵۵ تا ۵۵۸ هجری قمری در حالی که نزدیک به ۹۰ سال سن داشته از دنیا رفت که وی را در زاویه خود در حکاری دفن می‌کنند. مقبره او در نزدیکی اربیل (هه

ولیر) واقع است و بر روی سنگ قبر وی چنین نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم خالق السماء و الارض، اخفض هذه المنزل
محل الشيخ العدي الحكاري، شيخ يزيديه».

پس از وفات شیخ عدی و دفن او در کوه «لالش» واقع در شهرستان
سی جار برادرزاده اش «ابوالبرکات بن صخر» جانشین وی گردید و بعد
از او عدی بن بوالبرکات رئیس یزیدیها شد. او هم مرد مسلمانی بود که
چون درگذشت، پسرش «حسن ملقب به تاج العارفین» به ریاست
یزیدیها انتخاب گردید. می‌گویند در زمان شیخ حسن در عقیده‌ی
اسلامی یزیدیها شبهاتی حاصل شد و دوباره دین باستانی در میان آنها
جان گرفت و به شیخ عدی بن مسافر مقام الوهیت دادند و گفتند خدا
در وی حلول نموده است. رهبری یزیدیان رهبری موروثی است. در
سلسله مراتب آنها مثل هر سلسله مراتب دیگری شیخ یا پیر، فرا دست
است و مرید، فرو دست.

کتاب‌های مقدس

تا مدت‌ها پیش داشتن سواد خواندن و نوشتن برای یزیدیان تابلو
محسوب می‌شد و یکی از دلایل کمبود چشمگیر اسناد در مورد این
مذهب همین امر باید باشد. به هر حال دو کتاب را می‌توان نام برد که به
این آئین تعلق دارند کتاب «جلوه» منصوب به شیخ عدی و کتاب
«سیاه» یا «مصحفه ره ش» منصوب به پسر او که هر دو به زبان منظوم
کردی است که از سال ۱۸۹۵ میلادی به بعد حدود سیزده بار با متن و
ترجمه‌ی آنها به زبان‌های مختلف به چاپ رسیده است. ترجمه یکی از
نیایش‌های پس از نمازهای ششگانه ایزدیان چنین است:

«ای ایزد بزرگ! حقا که تو پادشاه جهانی، و یزدان مهر و ماهی، روزی دهنده جن و آدمیزادی و خداوندگار جهان بالا، ای مزدا مردم کردستان را مژده یاری ده که دفتر ایمان را پخش نمایند و گمراهان را نابود کنند و شورشی در کردستان بر پا نمایند و عظمت ایران را پا بر جا و استوار نگهدارند و سرزمین کفر را نابود سازند».

اعتقادات

بنا به کتاب‌های خطی ایزدی و نوشته‌های برخی از مورخان، ایزدیان از بازماندگان آیین مانی هستند و ادیان دیگر ایرانی از قبیل آئین زرتشت و مزدک در مسلک آنان نفوذ پیدا کرده است. معتقد به خدایی هستند که آفریدگار جهان است ولی پس از خلق جهان کاری به کار جهان و جهانیان ندارد.

از نظر آنها خدا نخستین موجودی را که خلق کرد ملک طاووس بود. ذات ملک طاووس با ذات خدا یکی است. آنها پس از ملک طاووس به شش ملک دیگر نیز قائلند که رابط بین خدا و خلق هستند، ولی ملک طاووس اولین ملک محسوب می‌شود. در اینجا عقاید زرتشتیان به ذهن متبادر می‌شود که پس از ذات باری به وجود خرد مقدس یا اسپنتامینو عقیده دارند که اولین موجود است و بعد از او شش امشاسپند دارند. اسپنتامینو گاهی جزو امشاسپندان محسوب می‌شود و عده آنها به هفت می‌رسد و گاهی او را به اعتبار الوهیت می‌نگرند و امشاسپندان شش تا می‌شوند.

بنا بر رأی مستشرقینی مثل «هورتن» کیش یزیدی نور پرستی است و منشأ آن ثنویت ایران قدیم است که به غلبه نور بر ظلمت منتهی می‌

شود.

ملک طاووس اهریمن نیست، بلکه تشخیص اصل شر است که دنباله خیر محسوب می‌شود و به این معنی است که شر از لوازم خیر است و جزو نقشه آفرینش است. پس ملک طاووس هم از ارکان آفرینش به شمار می‌رود. یزیدی‌ها شیطان را به عنوان معارض و خصم خدای متعال نمی‌پرستند، بلکه ملک طاووس یا شیطان را ملکی می‌دانند که هرچند سبب طغیان و سرکشی و مغضوب درگاه الهی شد و به جهنم افتاد، ولی ۷۰۰۰ سال در آنجا گریه کرد، چندان که هفت خم از اشک دیدگانش پر شد و آن‌گاه خدا او را بخشید. یزیدیان هم مثل بسیاری از پیروان ادیان باستانی اعتقاد دارند که جهان و هرچه در آن هست از چهار عنصر اصلی یعنی «آب، باد، خاک و آتش» ترکیب یافته‌است.

خداوند به ادعای خود، مشابه باور معمول ادیان سامی، انسان را از آب و خاک آفرید. در حالی که فرشتگان درگاه ابدیت همه از جنس آتشند؛ و آتش به باور آنها بر گل (ممزوج آب و خاک) ارجحیت دارد. از این رو وقتی خداوند از همه فرشتگان بارگاهش (از جمله ملک مقرب، طاووس) می‌خواهد که در مقابل ساخته دست او، آدم، تعظیم کنند، ملک طاووس، (شیطان) از این دستور ایزدی سر می‌پیچد و از همان زمان سر به شورش می‌گذارد، شورشی که تا روز حشر ادامه خواهد داشت و یزیدیان آن را شورشی بر حق و از روی حکمت خداوند می‌دانند و شیطان را لعن نمی‌کنند و معتقدند که در آخرالزمان او مشمول لطف و بخشش پروردگار خواهد گشت.

محققین و متکلمین اسلامی آنها را به دلیل باور به نسخ اسلام در آخرالزمان، جزو غلاة دانسته‌اند. یزیدی‌ها به شیطان یا بقول خودشان